

سرآغاز هر نامه ، نام خداست

که رحمتگر و مهربان ، خلق راست

ادبیات فارسی

تهیه و تنظیم :

► پایه هشتم

► درس هفدهم (راه خوشبختی)

► نیایش

► شیرین عبابافها

► دبیرستان گل های خرد

در جست و جوی خوشبختی

► این کتاب ، نوشته **ئرد آویبوری** و ترجمه **ابوالقاسم پاینده** است .

► این کتاب در هفده فصل نگاشته شده و در آن به موضوعاتی مانند : خوش بختی ، امید ، تربیت و ... پرداخته شده است .

محتوای درس :

- ▶ شکسپیر در این درس می گوید :
- ▶ دنیا و روزگار مانند کشتی ای می باشد که ما در آن زندگی می کنیم . این دنیا هم آرام است و هم ناآرام (در این دنیا ، هم سختی وجود دارد هم خوشی و راحتی) و این ما هستیم که باید با عقل و هوش و با استفاده کردن از تجربیات انسان های خردمند و پیران باتجربه ، از وقت و لحظه های زندگی خود بهترین بهره را ببریم تا مبادا به خاطر اشتباهات خود ، پشیمان شویم .
- ▶ پس باید از گذشت روزگار عبرت بگیریم و به آینده امیدوار باشیم .

معنای واژه های دشوار درس :

- ▶ مقصود = هدف ، مراد
- ▶ مد = بالا آمدن آب دریا
- ▶ غنیمت = بهره بردن ، مناسب دانستن
- ▶ غفلت = فراموش کردن ، بی خبری
- ▶ تاب = توانایی ، تحمل
- ▶ فرط = زیاده روی ، گذشتن از حد ، شدت
- ▶ اعماق = ته ، ژرف ، (جمع عمق)
- جزر = پایین رفتن آب دریا
- مسلماً = قطعاً ، یقیناً
- بسا = چه بسیار
- بیم = ترس
- اصلاً = هیچ وقت ، هرگز
- گذرا = آن چه می گذرد و ناپایدار است

معنای کلمات دشوار :

- ▶ تلف = از بین رفتن
- ▶ صرفه جویی = دقت کردن در مصرف چیزی به طوری که هیچ از آن تلف نشود
- ▶ مسرور = شاد ، خوشحال
- ▶ برکات = بسیاری نعمت ، خیر و نیکی
- ▶ توکل = کار خود را به خدا واگذار کردن
- ▶ اهمیت = مهم بودن
- ▶ اعمال = کارها (جمعِ عمل)
- ▶ افعال = کارها (جمعِ فعل)
- ▶ اوقات = وقت ها ، لحظه ها (جمعِ وقت)
- ▶ عجل = شتابان ، آن که کارها را با عجله انجام می دهد

معنای کلمات دشوار :

- ▶ تأمل = فکر کردن ، اندیشیدن
- ▶ بلافاصله = به سرعت ، فوراً
- ▶ معین = تعیین شده ، مقرر
- ▶ اضطراب = بی قراری و پریشانی ، نگرانی
- ▶ متانت = وقار ، استوار بودن
- ▶ راهبر = راهنما
- اقدام = دست به کاری زدن
- تعلل = بهانه آوردن
- نشاط = شادابی
- منحرف = کج شده از راه راست
- پرخوف = ترسناک (خوف = ترس)
- ایام = روزها (جمعِ یوم)

معنای کلمات دشوار :

- ▶ پایمال کردن = از بین بردن
- ▶ سلسله = تعدادی از چیزها ، زنجیر
- ▶ کائنات = موجودات جهان (جمع کائنه)
- ▶ نظام = نظم دهنده
- ▶ مرتکب شدن = انجام دادن عملی ، به ویژه عمل بد
- ▶ پاس داشتن = مراقبت کردن
- ▶ ندامت = پشیمانی
- ▶ حسرت = افسوس ، دریغ
- ▶ ثمر = نتیجه ، حاصل
- ▶ مُحال = غیر ممکن

معنی و آرایه های ادبی بعضی از جملات :

- ▶ روزگار دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می رود . این دریای بزرگ ، همیشه در جزر و مد است .
- ▶ معنی : روزگار مانند دریایی وسیع است که زندگی مانند کشتی در آن شناور است و به سوی آرزو و هدف ، حرکت می کند . این دریای پهناور (روزگار) همیشه همراه با آرامش و ناآرامی می باشد . (روزگار با سختی و آرامش همراه است)
- ▶ آرایه های ادبی :
- ▶ تشبیه : مشبه : روزگار مشبه به : دریا
- ▶ تشبیه : کشتی زندگانی (مشبه : زندگانی مشبه به : کشتی)
- ▶ تضاد : جزر ، مد کنایه : « در جزر و مد بودن » کنایه از « همراه بودن با سختی و آرامش »

معنی و آرایه های ادبی بعضی از جملات :

► ای کسی که دوره نوجوانی را می گذرانی و از فرط غرور گمان می کنی روزگار درازی در پیش داری ، حساب کار خود را داشته باش که روزگار چون باد وابر ناپایدار و گذراست . عمر خود را تلف مکن

► معنی : ای انسانی که زمان نوجوانی خود را پشت سر می گذاری و به خاطر غرور و خودخواهی بسیار ، فکر می کنی زیاد زنده می مانی و عمر طولانی خواهی داشت ، مواظب رفتار و کردار خودت باش زیرا روزگار مانند باد و ابر ، به سرعت در حال عبور است و ناپایدار می باشد . عمر خودت را بیهوده هدر نده .

► آرایه های ادبی :

► تشبیه : مشبه : روزگار مشبه به : ابر و باد

► کنایه : « چون باد و ابر گذرا بودن روزگار » کنایه از « ناپایداری و زودگذر بودن دنیا »

معنی و آرایه های ادبی بعضی از جملات :

- ▶ نوجوانان هنوز با زندگی چنان که باید آشنا نشده اند و از سرد و گرم روزگار خبری ندارند .
- ▶ معنی : نوجوانان هنوز با زندگی آن چنان که لازم است ، آشنا نشده اند و از شادی و اندوه (تلخی و شیرینی) روزگار خبر ندارند . (بی تجربه هستند)

▶ آرایه های ادبی :

▶ کنایه : « از سرد و گرم روزگار خبر نداشتن » کنایه از « بی تجربه بودن »

▶ تضاد : سرد ، گرم

معنی و آرایه های ادبی بعضی از جملات

▶ اگر عقل و متانت را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر درازتر و تجربه بیشتر دارند ، در این راه پرخوف و خطر راهبر خود قرار دهند ، زندگی را به راحت و آسایش خواهند گذرانید .

▶ معنی : اگر عاقلانه و با وقار رفتار کنند (عقل و وقار را پیشه خود کنند) ، و سخنان و تجربه انسان های پیر را که عمر طولانی دارند ، راهنمای خود قرار دهند ، مسیر ترسناک و پر از خطر زندگی را به راحتی و به دور از هرگونه سختی ، طی می کنند .

معنی و آرایه های ادبی بعضی از جملات

► وقت ما در سلسله کائنات جای مخصوص دارد و باید آن را برای کارهای مفید صرف کنیم وگرنه نظام آفرینش را به هم زده ایم و خطای بزرگی مرتکب شده ایم .

► معنی : وقت و زمان ما ، در بین همه موجودات جهان ، نظم مشخص و خاصی دارد و لازم است آن را برای کارهای مفید و ارزشمند به کار ببریم وگرنه نظم و آرایش جهان هستی (دنیا) را خراب می کنیم و اشتباه بزرگی را انجام می دهیم .

خیالیش

المی



کمال الدین وحشی بافقی

آثار او عبارت اند از :
مثنوی های :
فرهاد و شیرین
ناظر و منظور
خُلد برین



در اواخر عهد شاه اسماعیل اول
صفوی در قَصَبَةُ بافقی در ۲۴
فرسنگی یزد متولد شد .

نیایش

► قالب شعر : مثنوی

► محتوای شعر « نیایش » :

► روی نیاز آوردن به درگاه خداوند بزرگ و بیان عجز و ناتوانی و زاری بنده در برابر اوست .

الهی جانب من کُن نگاهی مرا بنما به سوی خویش ، راهی



- ▶ معنی بیت : خدایا ، مرا مورد لطف خود قرار بده و به سوی خودت ، هدایت کن .
- ▶ معنی واژه های دشوار : بنما = نشان بده
- ▶ آرایه های ادبی :
- ▶ کنایه : « نگاهی جانب من کُن » کنایه از « توجه کردن ، مورد لطف قرار دادن »
- ▶ نکات دستوری :
- ▶ قافیه : نگاهی ، راهی ردیف : - تعداد جملات : ۳ جمله
- ▶ الهی : منادا (بدون حرفِ ندا) بنما : فعل امر
- ▶ نقش دستوری حرف « را » در مصراع دوم : حرف اضافه (به من)
- ▶

رَهِی بنما که جاگیرم به کویت

نگاهی کن که رو آرم به سویت

➤ معنی بیت :

➤ خدایا ، به من توجّه کن تا به سوی تو روی بیاورم و راهی را به من نشان بده تا در درگاه تو قرار بگیرم .

➤ معنی واژه های دشوار :

➤ کوی = محله ، برزن

➤ آرایه های ادبی :

➤ جناس : کویت ، سویت

➤ مراعات نظیر : ره ، کوی

➤ نکات دستوری :

➤ قافیه : سویت ، کویت

➤ ردیف : -

تعداد جملات : ۴ جمله

کنایه : « نگاه کردن » کنایه از « توجّه کردن »



به ذکر خود ، بلندآوازه ام کن رفیق لطف بی اندازه ام کن

- ▶ معنی بیت : خدایا ، کاری کن که من در گفتن ذکر تو ، معروف و مشهور بشوم و مرا با لطف و مهربانی
- ▶ بی اندازه ات ، همدم و همراه خود کن

- ▶ معنی واژه ها : بلندآوازه = معروف ، مشهور لطف = مهربانی

- ▶ نکات دستوری :

- ▶ ذکرِ خود : ترکیب اضافی رفیقِ لطف : ترکیب اضافی لطفِ بی اندازه : ترکیب وصفی
- ▶ قافیه : بلندآوازه ام ، بی اندازه ام ردیف : کن ، کن
- ▶ تعداد جملات : ۲ جمله نقش دستوری ضمیر « مَ » در مصراع دوم : مفعول (من را رفیق لطف اندازه)



بیفشان از وضو بر رویم آن آب که از غفلت نمائد در سرم ، خواب

► معنی بیت : خدایا ، هنگام وضو گرفتن ، آبی را به صورتم بزن که تمام غفلت و بی خبری را از من دور کند .

► معنی واژه ها : غفلت = ناآگاهی ، بی خبری بیفشان = بریز

► آرایه های ادبی :

► مراعات نظیر : وضو ، آب ، روی کنایه : « خواب در سر نماندن » کنایه از « بیدار شدن از غفلت و بی خبری »
جناس : سر ، در سر ، بر آن ، آب

► نکات دستوری :

► بیفشان : فعل امر (از مصدر « افشاندن »)

► قافیه : آب ، خواب ردیف : - تعداد جملات : ۲ جمله

► در مصراع اول : آن آب : مفعول تو (خدا) : نهاد وضو - رویم : دو متمم

► در مصراع دوم : خواب : نهاد غفلت - سر : دو متمم

► هم خانواده ها : غفلت ، غافل ، مغفول



به چشم مرحمت سویم نظر کن شفیع آخرت ، خیرالبشر کن

➤ معنی بیت : خدایا ، از روی لطف و مهربانی به من نگاه کن و بهترین بشر (حضرت محمد ص) را در روز قیامت ، شفاعت کننده ام قرار بده .

➤ معنی واژه ها :

➤ مرحمت = مهربانی ، لطف شفیع = شفاعت کننده ، خواهشگر

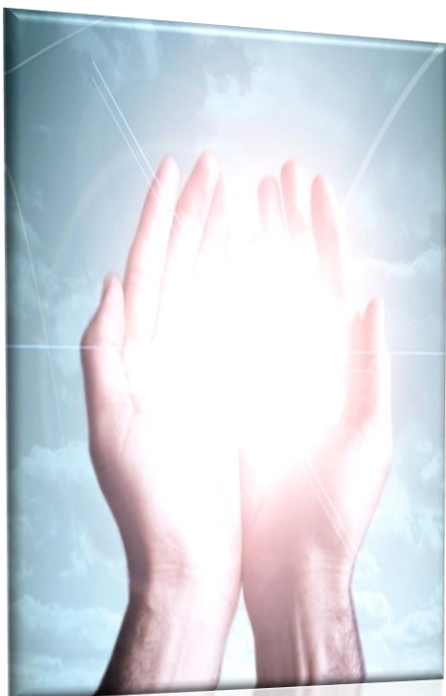
➤ خیرالبشر = بهترین بشر (منظور ، حضرت محمد ص است)

➤ نکات دستوری :

➤ چشم مرحمت : ترکیب اضافی شفیع آخرت : ترکیب اضافی

➤ قافیه ها : نظر ، خیرالبشر ردیف : کن ، کن تعداد جملات : ۲ جمله

➤ هم خانواده ها : مرحمت ، رحمت ، رحیم ، رحم شفیع : شفاعت



با تشکر از حسن توجه شما عزیزان

